



میزگرد

عنوان «سید» در مستندسازی نام پدید آورندگان

سمیعی: ابتدا مقدمه کوتاهی در مورد این جلسه عرض می‌کنم. حدود یک ماه و نیم پیش بود که در جلسه سردبیران کتابهای ماه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ثبت لقب «سید» در فهرست کتابشناسی مؤسسه خانه کتاب را لازم دانستند. ایشان برای لزوم این کار به دو دلیل، استناد کردند. یکی این که این لقب در شناسنامه ثبت می‌شود و جنبه حقوقی دارد و جزئی از نام افراد به حساب می‌آید، دیگر این که لقبی که حذف می‌شوند، اعتباری هستند و نشانه ذاتی در وجود اشخاص ندارند، مانند دکتر، مهندس، آیت‌الله و یا حجت‌الاسلام، اما این لقب، لقبی است که در شخصیت فرد در بدو تولدش وجود دارد. در این راستا ایشان دستور دادند که در نظام اطلاع‌رسانی خانه کتاب و کتابهای ماه و کتاب هفته، لقب سید در کاتالوگها حذف نشود و جزو نام افراد آورده شود. متعاقب این جلسه که گزارش آن در کتاب هفته منتشر شد، ایشان فرمودند برای این که این بحث، جنبه عمومی‌تر پیدا کند، میزگردی تشکیل شود و نظر اساتید حوزه کتابداری منعکس شود تا با هرچه فراگیرتر شدن، به یک‌دست‌سازی نظامهای مختلف، فهرست‌نویسی و مستندسازی پدیدآورندگان مفید باشد. من مایل‌م روی چند نکته تأکید کنم. اولاً این بحث نباید از بعد ارزشی مطرح شود، یعنی سیادت یک نسب مقدس در مذهب و دین ماست و این در جای خود محفوظ است. اگر ما می‌گوییم که لقب سید را حذف کنیم یا خیر، هیچ تحلیل ارزشی را نباید در این جلسه مدنظر داشته باشیم؛ چه موافق و چه مخالف باشیم. بحثی که مطرح می‌شود، صرفاً کارشناسی در این زمینه است که بنا بر ضوابط و قواعد کتابداری و اصولی که در انگلوآمریکن و بقیه استانداردهای جهانی مطرح است، چه روشی صحیح است. به عنوان مثال، هنگامی که لقب سید در گذرنامه ما ایرانیها نوشته می‌شود، در سطح بین‌المللی معنای دیگری پیدا می‌کند. من دوستی در لندن دارم که اسم او سید محمد مکی است، تمام دوستان او در لندن او را سید صدا می‌کنند، به او گفتم که چرا اسمت را صدا

شرکت کنندگان:

۱. آقای دکتر حرّی، استاد دانشگاه تهران
۲. خانم زهره علوی از کتابخانه ملی
۳. خانم پوری سلطانی از کتابخانه ملی
۴. آقای دکتر علی مزینانی از کتابخانه ملی
۵. خانم دکتر ماندانا صدیق بهزادی از کتابخانه ملی
۶. خانم دکتر ناهید بنی‌اقبال از کتابخانه فرهنگستان زبان و ادب

فارسی

۷. آقای محمد اسفندیاری از کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی
۸. خانم ونوس خجسته از خانه کتاب
۹. آقای داریوش مطلبی از خانه کتاب
۱۰. آقای محمد رصافی از مؤسسه اطلاع‌رسانی پارسا
۱۱. آقای محمد سمیعی، سردبیر کتاب ماه کلیات

سرفصلهای میزگرد:

۱. ثبت «سید» به دلیل درج در شناسنامه
۲. ثبت «سید» به دلیل این که لقبی اعتباری یا اکتسابی نیست
۳. ثبت القابی که معادل «سید» هستند و در دوره‌های مختلف تاریخی مرسوم بوده‌اند، مانند «شریف»، «میرزا» و ...
۴. بررسی القاب مترادف «سید» در کشورهای دیگر مانند هند، پاکستان و جهان عرب
۵. رویه فهرست‌نویسان ایرانی
۶. رویه کتابخانه‌های مهم دنیا مانند کتابخانه کنگره آمریکا و کتابخانه ملی انگلستان
۷. بررسی ثبت یا عدم ثبت برای اشخاصی که به سیادت اشتهار نداشته‌اند، مانند «احمد کسروی»



کاربردی تر است. نکته سوم این که بحث، چند گستره مختلف دارد که باید در نظر گرفته شود. یکی گستره تاریخی است. ما از جناب استاد ایرج افشار دعوت کرده بودیم ولی متأسفانه ایشان تشریف نیاوردند. لقب سید، قبل از این که شناسنامه به صورت رسمی در کشور به وجود آید و ایرانیان موظف شوند که سجل احوال تهیه کنند، بحث دیگری دارد. در تاریخ ما اگر به عقب برگردیم، سید به عنوانی که ما استفاده می کنیم، استفاده نمی شده است، مثلاً گاهی برای سیادت، لقب شریف را به کار می بردند؛ مثل شریف رضی یا شریف مرتضی. همین طور ما در گستره جغرافیایی نیز مسئله داریم. در کشورهای عربی، سید معنای دیگری پیدا می کند. حتی معنای آن در کشورهای عربی شیعه و سنی متفاوت است. بین شیعیان عراق، سید به همین معنای مستعمل در ایران است ولی در عربستان، متفاوت است. در مورد ثبت لقب سید، هند و پاکستان نظام ویژه خود را دارند و همین طور در گستره بین المللی، کتابخانه های مختلف دنیا، روالهای متفاوتی دارند. کتابخانه کنگره

نمی کنند، گفت در اینجا مهمترین اسم را اول می نویسند و اسم بعدی نام وسط و بعد از آن، فامیل است، سید را اسم اصلی من می گیرند و به خاطر همین، مرا سید صدا می کنند. ما در حقیقت می خواهیم بحث را به این سمت ببریم که در گذرنامه و یا شناسنامه، این لقب ثبت می شود و در نظام بین المللی، مراجع رسمی، دفترخانه ها و اسناد، جزو نام شمرده می شود، بلکه طبق دستور زبان انگلیسی، نام مهمتر شمرده می شود. حال با توجه به این نکات، می خواهیم مسئله را حل کنیم. نکته دیگر، این که می خواهیم تقاضا کنم که اساتید حاضر در جلسه، دیدگاه دفاعی نسبت به عملکرد گذشته خود یا مرکزی که در آن حضور داشته اند، ابراز نکنند؛ هر کتابخانه و یا هر مرکز اطلاع رسانی، روش عملی داشته است، کتابخانه ملی با سابقه حدود ۶۰ تا ۷۰ سال، فهرست نویسی، یک رویه قبلی داشته است. این جلسه، کاری به رویه قبلی ندارد، چون ممکن است جاهای دیگر، رویه های دیگری داشته باشند، ما می خواهیم مسئله را از نظر اصولی نگاه کنیم و ببینیم کدام رویه بهتر، عملی تر و



مزینانی:
سؤالی کلی مطرح است؛ نمی دانم چه
مشکل عمده‌ای در حوزه نشر و
اطلاع‌رسانی پیش آمده که چنین
مسئله‌ای مطرح شده است؟ به نظرم
دیدگاهی ارزشی به دنبال این قضیه
بوده و گرنه مشکل خاصی در زمینه
مؤلفان و ناشران و در حوزه نشر و
کتابداری پیش نیامده

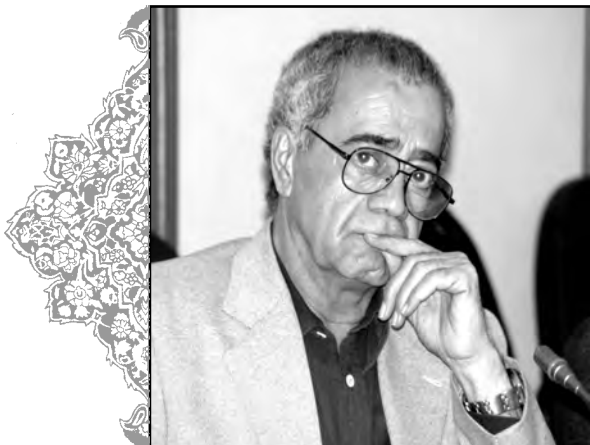
شناسنامه را ببینیم و این صحیح نیست که برای اثبات دارا بودن لقب سید، ما از آنها شناسنامه بخواهیم. مورد دیگر این که گذاشتن و نگذاشتن، چه فواید و چه مضراتی دارد؟ آیا مشکلاتی ایجاد می‌کند؟ چون همیشه نام کوچک مهمتر بوده و همه با نام کوچک یکدیگر را صدا می‌کنند و یا حداقل در خانواده، کسی که نامش سید محمد است، او را محمد صدا می‌کنند. برای همین، کتابخانه ملی و بسیاری از مستندسازان مانند آقای ایرج افشار در فهرست مقالات فارسی، این لقب را حذف کرده‌اند. چرا که ما همیشه نمی‌توانیم سید بودن اشخاص را تشخیص دهیم. مردم عادی هم نمی‌توانند این را تشخیص دهند. بنا بر این برای یافتن کسی که نام کوچکش حسن و نام فامیلش شهرستانی باشد، در فایلها به دنبال شهرستانی، حسن می‌گردیم و نه به دنبال شهرستانی، سید حسن، دلیل واقعی حذف شدن آن، این است و گرنه از نظر اصولی حرف شما صحیح است که وقتی در شناسنامه آمده باشد ما هم باید آن را بیاوریم. ممکن است کتابخانه ملی، استثناهایی را هم در مورد گذاشتن لقب سید رعایت کرده باشد.

مزینانی: سؤالی کلی مطرح است؛ نمی دانم چه مشکل عمده‌ای در حوزه نشر و اطلاع‌رسانی پیش آمده که چنین مسئله‌ای مطرح شده است؟ به نظرم دیدگاهی ارزشی به دنبال این قضیه بوده و گرنه مشکل خاصی در زمینه مؤلفان و ناشران و در حوزه نشر و کتابداری پیش نیامده، به جز این که به نظرم جناب وزیر، دیدگاهی ارزشی داشته‌اند. بنابراین علیرغم آن چیزی که خود در اول گفتید، طرح مسئله‌تنها با همین انگیزه بوده است. حال نمی‌دانم آیا مشکل خاصی در زمینه نشر، اطلاع‌رسانی، کتابداری و یا مؤلفین پیش آمده است، جز این که بخواهند دیدگاه ارزشی را حاکم کنند؟ اگر مشکلی در این زمینه‌ها پیش آمده است، بفرمایید.

سمیعی: نظر وزیر این بوده که اولاً ناهماهنگی در این حوزه وجود دارد، یعنی بعضی از کتابشناسی‌ها لقب سید را حذف نمی‌کنند و بعضی حذف می‌کنند؛ این واقعیتی است. همین طور کتابخانه‌ها ممکن است رویه‌های متفاوتی داشته باشند. ثانیاً بحث آقای وزیر این بوده که سید با توجه به این که جزو شناسنامه است، به خاطر دیدگاه ارزشی زمان قبل از انقلاب، حذف شده، به این خاطر که این کلمه عربی بوده یا به هر

آمریکا و بریتیش لایبراری هر کدام روال مخصوص خود را دارند. بنا بر این ما باید این گستره‌ها را مورد بحث قرار دهیم. با توجه به ابعاد مختلفی که مدنظر است ما محورهایی را برای نشست مشخص کردیم که برای نتیجه‌گیری، طبق روال این محورها پیش برویم. دلیلی که برای درج لقب سید آورده شده، این است که ثبت سید در شناسنامه به صورت قانونی است و نامی که در شناسنامه نوشته می‌شود، نام حقوقی و اصلی فرد است، حتی اگر غلط املائی داشته باشد. گاهی در ثبت نام خانوادگی افراد، به خاطر اینکه نام یک روستای دور افتاده بوده و یا ترکیب سخت عربی و یا ترکی بوده است، غلط املائی وجود دارد ولی هر املائی که در شناسنامه به کار رفته، همان نام واقعی شخص است و کسی حق ندارد که این غلط املائی را تصحیح کند. این اولین دلیلی است که برای لزوم ذکر لقب سید در نام مستند مطرح است. از این جهت می‌خواهیم بدانیم که لقب سید که به عنوان جزئی از نام، در شناسنامه ثبت می‌شود، آیا باید در مستندسازی حذف شود یا خیر؟ مستندسازی اساسش نام قلمی افراد است و نام شناسنامه‌ای و قلمی می‌توانند چه ارتباطی باهم داشته باشند؟

سلطانی: البته این درست است که وقتی نامی در شناسنامه درج می‌شود باید برای ما مستند باشد ولی آنچه شما بیان کردید من در آن مورد خانمی را می‌شناسم که نام فامیلش حامش است که به غلط با "ح" نوشته شده است و ما آن را به همان گونه نگهداری می‌کنیم و اصلاحش نمی‌کنیم یا برای مثال، خانواده‌ای را می‌شناسم که نام واقعی فامیلش عظیما است و یکی از فرزندان را به اشتباه به صورت عظیمی نوشته‌اند و طبعاً باید همان عظیمی را نگه داشت. فقط در مورد مسئله سید مانند میرزا و... در یک دوره تاریخی تصمیمی گرفته شده که این نوع القاب را حذف کنند. در نتیجه ممکن است در یک خانواده، بعضی در شناسنامه لقب سید را داشته و بعضی دیگر نداشته باشند. البته به نظر من اگر نویسنده‌ای همه جا در صفحه عنوان، سید را ظاهر کند و اصرار بر این داشته باشد که سید را حتماً بگذاریم، ما باید این را عمل کنیم و نمی‌توانیم بگوییم اگرچه شما این لقب را گذاشته‌اید ما این را قبول نداریم. اما این که ما به طور کلی برای تمام افرادی که سید هستند، لقب سید را بگذاریم، امکان‌پذیر نیست، چون نمی‌توانیم



حری :

در این که سید و سیادت، باری ارزشی دارد، شکی نیست و ما کاری در این مورد نمی توانیم بکنیم، در مورد ارزشی بودنش هیچ شکی نداریم و تاریخ گواه آن است ولی ما الان چنین بحثی نداریم، بحث حضور یک کلمه است. من در این جا سید را برابر اصغر می دانم، حضورش در تواتر و یا در شناسنامه، به ما می گوید که زمانی که می خواهیم سازماندهی متون منابع را انجام دهیم، چه کنیم

سید نیاید، دچار اشتباه می شویم و نمی توانیم احمد بهشتی را تشخیص دهیم. در مورد پیدا کردن سیادت اشخاص، همان طور که ما با زحمت بسیار، تاریخ تولد افراد را پیدا می کنیم، اگر قرار بر این باشد که لفظ سید نیز جزو نام افراد بیاید، این نیز از وظایف فهرست نویسی است که تلاش کند تا متوجه شود شخصی سید است یا خیر!

حری: وقتی جناب سمیعی با من در مورد این جلسه تماس گرفتند و مسئله را مطرح کردند، من خدمتشان عرض کردم که آیا این قضیه احتیاجی به میزگرد دارد؟ از دید من این قضیه خیلی روشن است. ما دو دوره هویت داشتیم، یکی دوره قبل از شناسنامه، دیگر دوره بعد از آن. در دوره قبل از شناسنامه، تواتر و شهرت، نقش مهمی داشته است که ما چگونه افراد را بشناسیم و این در مستند مشاهیر کتابخانه ملی دقیقاً منعکس است و شما به وفور مداخله‌هایی می بینید که با لقب سید، شریف و میرزا شروع شده است و تمام اینها نشان دهنده این است که بر اساس تواتر در متون و منابع، تصمیم گرفته شده است که اینها به عنوان جزئی از هویت شخصی بماند. اصل بر این است که آنچه در شناسنامه هست برای فهرست نویسی و سیاست گذاران کار سازماندهی، مستند قرار گیرد. این که در زمانی چه اتفاقاتی افتاده، ممکن است اتفاق نادرستی بوده است، اما فهرست نویسی نه تدوین کننده شناسنامه است و نه در این کار سهمی دارد، ملاک او برگه هویت است. اگر برگه‌ای بدون سید و یا با سید به دستش برسد، آن ملاک است. بنا بر این چیزی از شناسنامه حذف نمی شود، همین طور که اغلاط فاحش مأموران ثبت احوال، اصلاح نمی شود، این نیز حذف نمی شود. من فقط این دو اصل را ملاک قرار می دهم نه این که سید باشد، شریف و میرزا نباشد، چون ممکن است در طول زمان، اینها به جای هم به کار رفته باشد. در این که سید و سیادت، باری ارزشی دارد، شکی نیست و ما کاری در این مورد نمی توانیم بکنیم، در مورد ارزشی بودنش هیچ شکی نداریم و تاریخ گواه آن است ولی ما الان چنین بحثی نداریم، بحث حضور یک کلمه است. من در این جا سید را برابر اصغر می دانم، حضورش در تواتر و یا در شناسنامه، به ما می گوید که زمانی که می خواهیم سازماندهی متون منابع را انجام دهیم، چه کنیم. اشاره شده است که سید یک لقب اعتباری و یا اکتسابی نیست، آقا و خانم هم اعتباری و یا اکتسابی نیست،

دلیل دیگر، ایشان این حذف را حذف ارزشی می دانند و گفتند که چون آن کار غلط بوده و حذف انجام گرفته و بر اساس کارشناسی نبوده است، باید این روند اصلاح شود. لاقل در مواردی که مؤلف، کلمه سید را در کنار نامش می آورد، مانند جناب آقای سید فریدقاسمی - ایشان در تمام نوشته‌هایش لقب سید را می آورد - لاقل در این موارد، به نظر ایشان حذف ارزشی انجام شده است والا چون جزئی از نام است، دلیلی برای حذف وجود نداشته است. البته بحث اصلی، همان هماهنگی است، یعنی مهمترین مساله در نظامهای اطلاع‌رسانی، این است که هماهنگی وجود داشته باشد تا بانکهای مختلف باهم ارتباط برقرار کنند و کتابخانه‌های مختلف باهم تعامل داشته باشند. به نظرم انگیزه ایشان این دو مسئله بوده است. یکی ایجاد یکدستی و دیگر این که این حذف را حذفی ارزشی می دانند.

رصاصی: اجازه می خواهم این بحث را در دو محور مطرح کنم. یکی بحث قانون تعیین شناسه است، در مقدمه فهرست مشاهیر داریم که شناسه باید نام اشهر باشد. در آنجا سه ملاک برای نام اشهر آورده‌اند؛ یکی آن که در جامعه شفاهی یا کتبی تصریح شود و مردم به آن نام شخص را می شناسند، دوم نامی که خود شخص به آن اشاره می کند، حال در صفحه عنوان کتاب یا جاهای دیگر و سوم با استفاده از منابع طبقات، تراجم و رجال. در مواد بعدی مقدمه ذکر شده است که به خاطر این قواعد، القاب اعتباری مانند: آیت‌الله، شیخ، دکتر و از جمله سید را از اسمها حذف می کنیم. نظرم این است که در همتراز قرار دادن سید با دیگر الفاظ، قدری خلط صورت گرفته است و ما از نظر اصولی هیچ مشکلی نداریم. ما در مؤسسه اطلاع‌رسانی پارسا از چند سال پیش، چون کارمان اطلاع‌رسانی در کتابهای اسلامی بوده، لقب سید را حذف نکردیم و جلساتی در این مورد گذاشتیم و به این نتیجه رسیدیم که باید لفظ سید بیاید؛ نه به خاطر ارزشی بودن، بلکه چون دقیقاً منطبق بر این قواعد است. وقتی این لفظ در شناسنامه‌های ایرانی می آید، مؤید این است که حالت حقوقی دارد و جزو نام شخص است. بحث دیگر این که لفظ سید به ما اطلاعات افزوده می دهد. ما خیلی اوقات نام شخص را تنها از روی لقب سید تشخیص می دهیم، مثلاً سید احمد بهشتی و احمد بهشتی که سید نیست. بدون این اطلاعات افزوده، یعنی اگر لفظ



بهزادی :

در مورد سید نیز من عقیده‌ام این است که اگر در شناسنامه فرد بیاید و خود فرد هم مصرانه آن را اسم قلمی اش مطرح کند، فکر می‌کنم که این جزو هویت اش است، همان طور که املائی غلط را نمی‌توانیم تغییر دهیم و هر جوری که غلط است قبولش می‌کنیم

انتخاب کرده‌ایم، بعد از انقلاب چون واژه سید متداولتر شد، اینها استفاده کردند و سید گذاشتند، ما قانونی داریم که یکبار مستندسازی را بر اثر کثرت استعمال آن به کار می‌بریم و فرمهای دیگر را استفاده نمی‌کنیم و از ارجاع استفاده می‌کنیم. یکی از مشکلات کتابخانه که حداقل خودم داشتم، این بود که من نمی‌دانستم آن نام که قبل از انقلاب، سید نداشت و بعد از انقلاب، سید دارد، آیا این سید ساختگی است! یا شکل ظاهری دارد و یا واقعاً در شناسنامه موجود است! و ما نمی‌توانیم شرایط اجتماعی را در بکار بردن اسامی روی آثار در نظر بگیریم. خیلی از افراد هستند که به دلیل شرایط اجتماعی ناگهان شکل اسامی خود را با پسوند و یا پیشوندی عوض می‌کنند، کتابخانه ملی با این وضع روبه‌رو بوده است. عده‌ای نیز چون اخیراً مد شده، از سید استفاده می‌کنند و عده‌ای هم در شناسنامه سید نیستند ولی می‌گذارند. حال اگر ما اسمی که در شناسنامه نیست روی طرف بگذاریم و فردی ایشان را بشناسد و بداند که سید جزو نام شناسنامه‌ای ایشان نیست، باز این ایراد را بر کتابخانه ملی خواهند گرفت که شما چرا تحقیق نکردید و ایشان سید نبود. فکر می‌کنم هیچ وقت در کتابخانه ملی، این نبوده که ما مصرانه بگوییم که حتماً سید حذف شود، به هر حال چیزی از نام است و چون در شناسنامه هست، نمی‌توانیم آن را حذف کنیم. اما شاید به همین دلایل بوده که خواستند فهرست‌نویس را در شرایطی قرار ندهند که این لفظ درست یا غلط است و یا جزو شناسنامه هست، برای همین گفتند که عنوان حذف شود. فکر نمی‌کنم اگر قرار بر این باشد که از این پس عنوان سید، گذاشته شود، کتابخانه ملی بگوید که حتماً نباید باشد، چون به هر حال حق حقوقی اسم را محفوظ نگه می‌داریم. اگر به کشورهای دیگر نگاهی کنیم، در خیلی از کشورها عنوان را جزو ساختار اسم قبول کردند، مثل سید. بنا به فرض ما در تاجیکی عنوان بابا، خواجه، شاه، ملا، میر و یا سید داریم، اینها جزو اسمها آمده، باباکلام در تاجیکی اسم است. نمی‌توان بابا را به خاطر عنوان بودن، حذف کرد.

اکبر شاه، میر افضل، ملا قاسم داریم و اینها جزو اسم هستند.

بنی‌اقبال: قانونی که برای تعیین اسم شهر در مقدمه فهرست اسامی مشاهیر داریم، قانون بسیار محکمی است. نخست این که فرد به چه نامی مشهور است؛ اگر شما بروید و از کوچه و خیابان بپرسید که

ذاتی است. پس ما باید آقای فلان را همیشه بیاوریم ولی هرگز نمی‌آوریم، او آن را کسب نکرده بلکه با خودش آمده، یعنی جزو ذاتش است. بنا بر این خواهشیم از دوستان کتابخانه ملی این است که اگر آنچه من عرض می‌کنم خلاف تصمیمی است که در باب مستندسازی گرفته می‌شود، بفرمایند. غرض من این است که اگر اتفاقی در زمان گذشته افتاده و در شناسنامه‌ها دخل و تصرف شده، ثبت احوال باید تصمیم بگیرد و بر اساس آن فهرست‌نویسان و سازماندهندگان علم و دانش کارشان را انجام دهند.

بهزادی: می‌خواستم بحث را به این صورت باز کنم که ما در واقع سید را به عنوان فامیل قبول داریم و مشکلی در مورد ثبت سید در فامیل نداریم و الان اگر شما دفترچه تلفن را باز کنید، واژه سید را در فامیل‌های زیادی دارید. آنچه که در این جا مورد بحث است، سید در جلوی نام کوچک است. من این را لقب نمی‌گیرم، عنوان می‌گیرم، آیا ما این را قبول کنیم یا خیر؟ البته من طبق صحبتی که خانم سلطانی کردند، نظرم این است که ما با اسم قلمی روبه‌رو هستیم، در مورد کتابخانه و اطلاع‌رسانی و کتاب‌شناسیها، با اسم شناسنامه‌ای کاری نداریم. خانم سلطانی خودشان اسم کامل شناسنامه‌ای دارند که هرگز آن را به عنوان اسم قلمی‌شان استفاده نمی‌کنند، در نتیجه ما فهرست‌نویسان، ایشان را به عنوان پوری سلطانی می‌شناسیم، نه با اسم کاملشان. خیلی‌ها اسامی دیگری را به عنوان مستعار انتخاب می‌کنند. در مورد سید نیز من عقیده‌ام این است که اگر در شناسنامه فرد بیاید و خود فرد هم مصرانه آن را اسم قلمی اش مطرح کند، فکر می‌کنم که این جزو هویت اش است، همان طور که املائی غلط را نمی‌توانیم تغییر دهیم و هر جوری که غلط است قبولش می‌کنیم، اگر آقای سید حسین نصر همیشه قلمش را با سید حسین نصر می‌نویسد و در شناسنامه اش نیز جلوی اسم کوچکش سید هست، چه اشکالی دارد که ما آن را وارد کنیم. اما چرا کتابخانه ملی این کار را انجام نداده است، همان طور که می‌دانید، دسترسی به شناسنامه در کتابخانه ملی، کار بسیار مشکلی است. من در کتابخانه ملی بودم و در این بخش کار کردم، بسیاری از افراد در قبل از انقلاب هرگز نام سید را به کار نبردند و برای مثال محمد حسینی نوشته‌اند، حال ما یکبار اسم قلمی ایشان را با نام محمد حسینی



علوی:
مواردی داشتیم که فرد اصرار داشته
که سید باشد و ما نیز این کار را
انجام دادیم. مثلاً آقای سید جعفر
شهیدی، ایشان خود اصرار داشتند
که سید ذکر شود و ما آن را گذاشتیم
و تعصبی در کار نبوده است

سید باشد و ما نیز این کار را انجام دادیم. مثلاً آقای سید جعفر شهیدی، ایشان خود اصرار داشتند که سید ذکر شود و ما آن را گذاشتیم و تعصبی در کار نبوده است. ولی به هر حال فکر می‌کنم که در بعضی از کشورها سید را به کار می‌برند و ما هم اخیراً کتابهای عربی و کردی خریداری کردیم و آنها از کلمه سید استفاده کرده‌اند. می‌توان تصور کرد تشخیص فهرست‌نویس که آیا این جزو اسم است یا خیر، یا در کتابهای عربی این سید به معنی آقا است و یا در شناسنامه بوده است، کار بسیار دشواری است. بنا بر این، فرض را بر این گذاشتیم که اگر کسی اصرار کند و خودش دوست داشته باشد، کلمه سید را بیاوریم. بسیاری از سید هستند، مانند امام خمینی (ره)؛ آیا شما دیدید که نام امام خمینی (ره) با کلمه سید همراه باشد، در این مورد چه باید کنیم؟ به نظر من ناهماهنگی به وجود می‌آید. اگر بگذاریم بدون خواستن طرف مقابل، همان طور که خانم بهزادی گفتند، باعث گله می‌شود که چرا برای فردی سید را گذاشتید و برای من نگذاشتید. برای مثال از جمع می‌خواهم بپرسم که در مورد امام خمینی (ره) که هیچ موقع کلمه سید در آثارشان نیست چه باید کرد؟ آیا از خود، این کلمه را بگذاریم؟ واقعاً یک سؤال است. روال کار در کتابخانه ملی در حال حاضر به این شکل است که هر چه روی کتاب است، بیاید و برای ارجاعات از منابع مختلف استفاده می‌شود و اسم اشهر انتخاب می‌شود، اما کلمه سید حذف می‌شود مگر در مواردی که خود فرد خواسته باشد و ما آن را حفظ کرده‌ایم. حال اگر پیشنهادی است می‌توانند آن را اضافه کنند و ما اصراری بر حذف آن نداریم.

اسفندیاری: سؤال من از دوستان این است که اگر فردی بعضی از آثارش با نام سید به چاپ رسیده و برخی دیگر سید ندارد یا مثلاً از دو جزو نام خانوادگی، در برخی آثار، یکی آمده است و در برخی آثارش هر دو جزو آمده است، در فهرست مستند به چه روشی عمل شده است؟

سلطانی: معمولاً کتابی را که اولین بار فهرست می‌کنیم، مستند می‌کنیم و در همان مرحله، تمام کوشش را به کار می‌بریم. حال از روی اشتها یا به کمک شناسنامه، تمام کوشش را می‌کنیم که نام را مستند کنیم و بعد از مستند شدن، همیشه آن را به کار می‌بریم. حتی اگر نویسنده تغییرات کوچکی در اسمش بدهد، ما آن را به عنوان ارجاع به

علی اسفندیاری کیست، نمی‌شناسند! اما وقتی نام نیما یوشیج را می‌گویید، می‌شناسند. پس اشتها بر شناسنامه ارجحیت دارد. من اعتقاد دارم که در مواقعی که چنین شکی ایجاد شود، اشتها فرد، مسئله خیلی مهمی است. دیگر این که ما می‌گوییم که فرد هر چه دوست دارد خود را معرفی کند، اگر دوست دارد با اسم قلمی خودش، معرفی شود آن اهمیت دارد. بنا بر این اگر دوست دارد که خود را با سید معرفی کند، ما نمی‌توانیم شجره‌خوانی کنیم که آیا فردی سید هست یا خیر! او در قلمش خود را سید معرفی کرده ما نیز خیلی راحت در فهرست مستند می‌توانیم مانند تنالگالها و اسامی که نام خود را عوض می‌کنند، مشخص کنیم که تا این سال به این اسم و از این سال به بعد با این نام و ارجاع درست کنیم. راه آن مشخص و معین شده و ما نمی‌توانیم مدعی شویم که تو سید نیستی و چرا سید را اضافه کردی! آنچه که به اعتقاد من اشتها دارد و آنچه که نویسنده دوست دارد با آن نام معرفی شود و در نوشته خود می‌آورد، مهم است و ما با شناسنامه کاری نداریم.

رصاصی: درست است که شناسنامه ملاک مستندسازی نیست. اما می‌خواهیم بگوییم که اگر در شناسنامه لقب سید ثبت شده باشد، این نشانگر این است که آن لقب از نظر حقوقی جزو اسم است. حال اگر شخصی در مقاله و یا کتاب خودش، خود را سید معرفی کرد، مستندساز نباید سید را به عنوان لقب تشریفاتی مانند دکتر و شیخ حذف کند. چون در شناسنامه ثبت شده است و جزو اسم است.

بنی‌اقبال: در مورد فردی که اصلاً حاضر نبوده که خود را سید معرفی کند، چطور؟ حتی اگر در شناسنامه‌اش باشد.

رصاصی: ما این را رعایت کردیم! مانند احمد کسروی که در بند آخر از سرفصلهای این نشست آمده است و ما اصلاً نباید سید را به ابتدای نام او اضافه کنیم.

سلطانی: در بسیاری از کتابها، سید احمد کسروی ذکر شده است. **رصاصی:** در کتابهای اسلامی که موضوع کار ماست، در بیشتر موارد حذف شده است.

علوی: ما در کتابخانه ملی، همان طور که خانم بهزادی فرمودند، سعی می‌کنیم به آنچه در روی کتاب آمده و نویسنده خود را با آن معرفی کرده است، عمل کنیم. مواردی داشتیم که فرد اصرار داشته که



سلطانی :

هنوز من معتقدم که کلمه سید در فایلینگ اختلال ایجاد می کند. حتی در خارج که سر را نمی گذارند و دوک را می گذارند، با ایتالیک می نویسند تا در فایلینگ به حساب نیاید. یعنی اگر سید را بگذاریم، بهتر است در فایلینگ به حساب نیاوریم و آن نیز در فهرست نویسی کار را مشکل خواهد کرد

اگر سید را بگذاریم، بهتر است در فایلینگ به حساب نیاوریم و آن نیز در فهرست نویسی کار را مشکل خواهد کرد.

مزینانی: در ارتباط با همین قضیه می خواستم بگویم که حجم کاری که الان در کتابخانه ملی انجام می شود در حدی است که سالیانه به طور میانگین، سی هزار عنوان را از طریق فهرست نویسی پیش از انتشار، فهرست نویسی می کنیم که به طور میانگین ممکن است، دو تا سه اسم، در آن وجود داشته باشد. ببینید در این حجم کار، احراز هویت چقدر مشکل می شود. سال گذشته فقط نزدیک به بیست هزار عنوان عربی فهرست نویسی کردیم که بخشی از آن با کلمه سید آمده، البته سید نه با مفهوم مورد بحث بلکه به معنای آقا. ما الان موارد دیداری و شنیداری داریم که فهرست نویسی آن در حال انجام است. فکر کنید برای یک سی دی و یا نوار موسیقی با اجزایی که درونش هست، گاهی تا بیست نفر نام باید مستند شود. منظورم این است که از لحاظ عملیاتی نیز آن را ببینید که احراز این قضیه برای کتابخانه ملی که این فایلها را تهیه می کند، مشکلات عدیده ای بوجود می آورد و باید راهکاری برای آن پیدا کنیم.

سمیعی: می خواهم در این مرحله جمع بندی کنم. اگر نکته دیگری هست بیان فرمایید.

مطلبی: در جاهای مختلفی که مطالعه کرده ام، دیدم که سید را همتراز با یک سری واژه هایی که در انگلو آمریکن بوده و مواردی که شبیه آن است قرار داده اند. اولین سؤال من این است که آیا سید واقعاً همتراز با دوک و یا مواردی شبیه آن است یا خیر؟ آیا در موقعی که این تصمیم گیری شده است، درست بوده است؟ فارغ از مشکلاتی که الان و یا بعدها ممکن است بوجود بیاید، این مسئله به ما کمک می کند تا بتوانیم در مورد آینده تصمیم گیری کنیم و این که در شناسنامه افراد سید آمده یا نیامده باشد، فرقی نمی کند، چون ما نمی توانیم به شناسنامه افراد استناد کنیم. در مورد اینکه آیا این تصمیم گیری درست و یا غلط بوده، پس از رسیدن به این مسئله باید ببینیم که در این زمان، اضافه کردن سید، چقدر می تواند ما را با مشکل مواجه کند. البته فکر می کنم که با توجه به این که اکثر کارهای ما کامپیوتری است، ما هیچ مشکلی در فایلینگ و یا جستجو نداریم. می توان این مشکلات را به کمک

مستند مشاهیر اضافه می کنیم و همان اولی را به عنوان نام مستند به حساب می آوریم.

اسفندیاری: به عنوان مثال، فردی به عنوان سید مرتضی راوندی کاشانی؛ اولین کتابی که از ایشان در دوره جوانی منتشر شده، پشت جلد نوشته شده است، سید مرتضی راوندی کاشانی، بعدها از ایشان آثار متعددی منتشر شده که اتفاقاً در میان سالی و پیری مهمترین آثارش به شمار می رفته، اما فقط مرتضی راوندی آمده است، با این حال، شما مینا را همان بار اول که فردی گمنام بوده قرار می دهید یا نامی که بعداً در جامعه علمی با آن شناخته شده است.

سلطانی: خدمت شما گفتم، هیچ دلیلی ندارد که اولین کتابی که از ایشان به دست ما می رسد، اولین کتابی باشد که ایشان نوشته اند. اولین کتابی که به هر صورت برای فهرست نویسی به کتابخانه ملی رسیده است، آن را جست و جو می کنیم، یعنی می بینیم که قبلاً در مآخذشناسی چه نامی داشتند، بعد از آن تصمیم می گیریم که طبق قوانینی که گفتند، چیزهای لازم را ذکر کنیم. واضح است که ما در بیشتر موارد، سید را حذف کردیم چون بنا بر این بوده است که سید حذف شود. همان طور که آقای سمیعی اشاره کردند، هدف آن بوده که هماهنگی ایجاد شود و در فایلینگ ما اختلالی به وجود نیاید. برای مثال همه به دنبال حسینی می گردند؛ حسینی، محمد و خیلی نادر است که کسی به روی حسینی، سید محمد نگاه کند. کسانی که با اطلاع رسانی و مردم سروکار داشته اند می دانند که غالباً به این شکل است. بنا بر این ما خواستیم که سریعترین ابزار را برای مراجعه کننده بوجود آوریم تا به چیزی که می خواهد، دسترسی پیدا کند و روی تجربه ای که داشتیم، احساس کردیم که این روش، بهتر است؛ گرچه ممکن است این احساس اشتباه باشد. آمارهایی که از مردم بهنگام پیدا کردن اسم گرفته شده نیز همین نتیجه را نشان می دهد. به هر حال، در فهرستهای مستند مشاهیر، آقایانی مانند خرمشاهی، فانی، مرحوم دکتر طاهری، خانم بهزادی و من که دست اندرکار بودیم، بر اساس همه تجارب، این تصمیمات را گرفتیم و آن مقدمه را نوشتیم. هنوز من معتقدم که کلمه سید در فایلینگ اختلال ایجاد می کند. حتی در خارج که سر را نمی گذارند و دوک را می گذارند، با ایتالیک می نویسند تا در فایلینگ به حساب نیاید. یعنی



بنی اقبال:

لقب حاجی مانند سید است. خیلی از بچه‌هایی که به دنیا می‌آیند، خانواده دوست دارد که اسم او را حاج اصغر بگذارد، بچه‌ای دو ماهه نامش حاج اصغر است و حتی بزرگ که می‌شود، خود را حاج اصغر معرفی می‌کند. وقتی می‌نویسد حاج اصغر، ما صرف اینکه حاج را حذف می‌کنیم، آیا عنوان حاج را از نام او حذف کنیم؟

کامپیوتر حل کرد.

بهزادی: بحث سر این موضوع نیست که حالا باید سید را بگذاریم و یا کاری که قبلاً می‌کردیم درست بوده یا خیر؟ کتابخانه ملی برای خود دلایلی داشته که این کار را انجام نداده است ولی این گونه نبوده که کسی اصرار داشته باشد که سید را روی آثار قلمی خود بگذارد و ما بخواهیم آن را حذف کنیم. ما با دلایل اطلاع‌رسانی یک سری تصمیماتی گرفته‌ایم. این یک نوع قرارداد است. قرارداد ما می‌تواند از حال به بعد این باشد که هر فردی که کتابی نوشت و جلوی اسم کوچکش عنوان سید را گذاشت - ما به شناسنامه کاری نداریم، چون به دنبال شناسنامه نمی‌رویم - ما هم به صورت قراردادی سید را بگذاریم؛ حال بعد از آن باید دید مشکلاتش چیست. یک مشکل در ترتیب الفبایی پیش خواهد آمد. در آنجا نیز به طور مسلم، کامپیوتر نمی‌تواند تشخیص دهد که چه چیزی را بگذارد و چه را نگذارد؛ مشکل پیدا خواهیم کرد. اسامی‌ای هستند که قبلاً برایشان سید نگذاشته‌ایم، در کتاب‌شناسیهای ملی و در منابع ما بدون سید آمده‌اند، آیا حالا باید تمام آنها را اصلاح کنیم؟ اگر شما نامی را در پایگاه کتابخانه ملی جست‌وجو کنید، یک سری با سید و یک سری بدون آن می‌آیند؛ یک سری مشکلات پیش می‌آید که فقط منحصر به ما نیست. کتابخانه کنگره وقتی می‌خواست یک سری تغییرات بدهد، اول به تغییرات برگه‌دان نگاه می‌کرد و اگر خیلی زیاد بود صرف نظر می‌کرد و هنوز این سیاست را دارد. حال باید دید که چه حجم عظیم اسامی را باید دوباره ویراستاری کنیم و باید دید که آیا در کتابهای قدیمی در زمانی که ما آن را فهرست کردیم سید داشته است یا خیر؟ صرف نظر از مشکلات نیروی انسانی، مشکلات اقتصادی بسیار زیادی دارد و حجم بار مالی زیادی به عهده کتابخانه خواهد بود تا هماهنگی لازم ایجاد شود. وگرنه این تغییر، موجب ناهماهنگی است. این بحث، بحثی قراردادی است و شما می‌توانید قراردادی که در گذشته بوده تغییر دهید ولی باید توجه کرد که این مشکلات را دارد. مشکلاتی که در برگه آرایی حتماً خواهید داشت و مشکلاتی که در گذشته و حال خواهید داشت و برای هماهنگی آن یک نیروی عظیم و بودجه کلان لازم است تا تمام آنها هماهنگ شود. باید تصمیم بگیریم که آیا این را به عنوان یک قرارداد قبول کنیم و از

این به بعد آن را اجرا کنیم یا نه؟ به نظرم این خیلی پیچیده نیست.

بنی اقبال: من بحث حجم تغییرات را نمی‌کنم و کتابخانه ملی شاید با نظایر این مشکلات رو به رو بوده است و با ترفندی به راحتی می‌تواند این مشکل را حل کند. لقب حاجی مانند سید است. خیلی از بچه‌هایی که به دنیا می‌آیند، خانواده دوست دارد که اسم او را حاج اصغر بگذارد، بچه‌ای دو ماهه نامش حاج اصغر است و حتی بزرگ که می‌شود، خود را حاج اصغر معرفی می‌کند. وقتی می‌نویسد حاج اصغر، ما صرف اینکه حاج را حذف می‌کنیم، آیا عنوان حاج را از نام او حذف کنیم؟ او می‌نویسد حاج اصغر و به این نام مشهور است!

اسفندیاری: اولاً در این که سید جزو نام هست یا خیر، مقداری اختلاف آرا بود؛ به گمان من اگر بخواهیم با دقت و بدون تسامح نگاه کنیم، کلمه سید نه جزو نام شخصی کسی است و نه جزو نام خانوادگی او. حتی اگر در شناسنامه فردی درج شده باشد، باز جزو نام شخصی و خانوادگی او نیست. حتی در مورد افرادی مانند سید رضی یا سید مرتضی، کسی مدعی نیست که به لحاظ تراجم و رجال، کلمه سید جزو نام این افراد است. به گمان من در این گونه موارد، بهترین میزان، عرف است. کسی که در شناسنامه سیدمحمدعلی احمدی است، بهنگام معرفی خود، ممکن است خود را محمد معرفی کند و یک جزء نامش را بگوید یا بگوید علی، یا بگوید محمدعلی. این سه وجه موجود است، ولی هیچگاه نمی‌گوید که اسم من سید است. یعنی آقای سیدمحمدعلی احمدی، ممکن است خود را محمد یا علی و یا محمدعلی معرفی کند، اما هیچگاه کسی به عنوان اسم، نمی‌گوید که سید است، اگرچه در شناسنامه‌اش درج شده باشد. تعبیر سید را نمی‌توانیم جزو نام بیابوریم و بگوییم که نام است. از طرف دیگر مشکل این است که این تعبیر لقب هم نیست، یعنی با تعبیراتی مانند استاد، شیخ، حاجی، دکتر و پروفیسور فرق می‌کند، یعنی نه نام است و نه لقب! به گمان مشکل کار و اینکه بحثی به این تعبیر اختصاص داده شده، این است که ما در اینجا با تعبیری مواجه هستیم که مشابه آن در کشورهای دیگر نیست، یعنی تعبیری است که نه نام است و نه لقب. با این چه باید کرد؟ اگر لقب بود، به طور قاطع می‌گفتیم که باید حذف شود و اگر نام بود، مطمئناً می‌گفتیم باید آورده شود. اما گمان می‌کنم در این مورد باید قابل به



اسفندیاری :

هر چند که سید را نام و لقب نمی دانیم، باید قایل به تفصیل شویم و بگوییم که در صفحه عنوان کتاب چیست؟ هر چه در صفحه عنوان باشد، عملیات کتابشناسی براساس آن انجام می شود. من نیز که خود چند کتابشناسی تالیف کرده‌ام، به همین ترتیب پیش رفتم

نشده است. ابتدا مستوفی، سیدمحمد و بعد از آن مستوفی، شفیع سپس مستوفی، محمد می‌آید. خواننده‌ای که کتابشناسی را در دست می‌گیرد، تصور خواهد کرد که اینها دو نفر هستند، حال آنکه اینها دو نفر نیستند. من نیز که کتابشناسی را انجام داده‌ام، چون براساس صفحه عنوان بوده است، به اشتباه افتادم. من خود در کتابشناسی برای هر شخص که تعبیر سید را آورده بود، آوردم؛ برای مثال مرتضی راوندی نیآورده بود، من هم نیآوردم، یا کسروی نیآورده من نیز نمی‌آورم، دکتر شهیدی می‌آورد، من نیز خواهم آورد و بر اساس صفحه عنوان عمل می‌کنم. این از مسایلی است که به طور قاطع نمی‌توان گفت که بر اساس یخشنامه‌ای تعبیر سید را بیآوریم یا نیآوریم، ما باید قایل به تفصیل شویم و بحثهای مبنایی‌تر کنیم که آیا سید جزو نام است یا خیر. در مورد این که برخی از سروران، اشاره به شناسنامه می‌کردند، در این جا شناسنامه اصلاً برای ما ملاک نیست، چنان که فردی نامش را پشت جلد کتاب می‌نویسد، ما نمی‌دانیم که نام دقیقش همان است. برای مثال امکان دارد حسینی اسحاق آبادی باشد و اسحاق آبادی را نمی‌آورد، مبنای ما یعنی شناسنامه آن فرد، کتابی است که به دست ما می‌رسد و آن کتاب از شناسنامه برای ما مهمتر است؛ مضافاً آن که افرادی در شناسنامه نیز سید هستند اما در واقع ما می‌دانیم که سید نیستند، یعنی در این خاندان سید ندارد، مثل برخی از خاندانهایی که ایرانی هستند و در آنها سید نیست. گاهی چند نفری پیدا می‌شوند که در آثارشان به نام سید معرفی شده‌اند، حال آنکه اصلاً سید نیستند.

سمیعی: با عرض تأسف از این که خانم سلطانی می‌خواهند تشریف ببرند و ما نمی‌توانیم بیشتر از محضرشان استفاده ببریم. خانم بنی‌اقبال لطفاً بفرمایید.

بنی‌اقبال: مسئله کوچکی که باید تذکر دهم این است که صرف این که کسی خود را چگونه معرفی کرده است، بن‌بست نیست، کافی است بگوییم که مستوفی، محمد نگاه کنید به مستوفی، سیدمحمد و مشکل حل شده است و حتی بالعکس آن را نیز می‌توان انجام داد. در مواردی که تشخیص دادیم که شخصی ترجیح می‌دهد که هر دو باشد، مثلاً قبل از انقلاب محمد و بعد از آن سیدمحمد، باز می‌توان مسئله را حل کرد. این مسایل احتیاج به بحث طولانی ندارد.

تفصیل شویم و یک حکم کلی ندهیم. کلمه سید، گو این که جزو نام نیست، اما معرف صفتی خانوادگی است، تبار و یا شجره یک فرد را نشان می‌دهد. قصد ما از تسمیه این است که هویت و یا خانواده فردی را بشناسیم و او را از دیگران متمایز کنیم. با تعبیر سید، فرد را کاملتر می‌شناسیم. هنگامی که فردی می‌گوید حسینی، طباطبایی و یا موسوی، شما تبار آن فرد را می‌شناسید. با تعبیر سید هم گاهی این کلمه همان نقشی را بازی می‌کند که کلمه حسینی، طباطبایی و یا موسوی بازی می‌کنند، اما با وجود همه اینها، باز گمان می‌کنم این را نمی‌توانیم جزو نام قلمداد کنیم. حال در مرحله بعد، بحث این است که در کتابشناسی باید تعبیر سید را بیآوریم یا خیر؟ اساتید می‌دانند و من از آثار آنها استفاده کرده‌ام، عملیات کتابشناسی بیشتر براساس صفحه عنوان است و ما در کتابشناسی، این صفحه را ملاک قرار می‌دهیم. هر چند که سید را نام و لقب نمی‌دانیم، باید قایل به تفصیل شویم و بگوییم که در صفحه عنوان کتاب چیست؟ هر چه در صفحه عنوان باشد، عملیات کتابشناسی براساس آن انجام می‌شود. من نیز که خود چند کتابشناسی تالیف کرده‌ام، به همین ترتیب پیش رفتم. البته همانطور که خانم سلطانی فرمودند، گاهی از مواقع، اختلالی به وجود می‌آید و شاید ثمره بحث نیز در همین جا ظاهر شود و شاید که خوانندگان این میزگرد بعدها تعجب کنند که برای کلمه سید، یک جلسه می‌خواهند صحبت کنند! همان طور که خانم سلطانی اشاره کردند، گاهی در اطلاع‌رسانی اختلال ایجاد می‌گردد، برای مثال من کتابشناسی توسعه اقتصادی را فراهم می‌کنم و به فردی به نام سیدمحمد مستوفی برمی‌خورم که این فرد چند کتاب در توسعه اقتصادی دارد. در برخی از این کتابها تعبیر سید آمده و در برخی دیگر نیامده است. من در اولین کتابی که از ایشان معرفی می‌کنم، می‌نویسم مستوفی، سیدمحمد و نام کتابش را می‌آورم و کتاب دومش را نیز به همین ترتیب می‌آورم، شخص دیگری نیز کتابی در همین موضوع دارد که نام خانوادگی ایشان مستوفی و نام کوچکش، برای مثال، شفیع است، پس کتاب بعدی که معرفی می‌شود مستوفی، شفیع است. بعد از آن به کتاب دیگر از همان آقای مستوفی، محمد برمی‌خورم اما این بار، تعبیر سید را نگذاشته است و من نیز نمی‌گذارم، لذا مستوفی، محمد کتابهایش یکجا معرفی

حری :

در این جا بحث کتابخانه خاصی نیست، بحث یک حوزه معرفتی است و مهم نیست که در حوزه کتابداری این اتفاق بیفتد یا خیر! اما در کتابخانه ملی و یا در جای دیگر آیا دشوارتر جست و جوی تنوعات است یا فی المثل حالا که فیفا جریان دارد از هر شخصی یک فتوکپی شناسنامه بخواهیم! این خیلی راحتتر است. یک چیز را اصل قرار می دهیم و می گوییم که در شناسنامه نیامده است، اگر مایل نیست، شناسنامه را عوض کند

حری: ببخشید جناب سمیعی، شما می خواهید چیزی را جمع بندی فرمایید که هنوز به نتیجه ملموسی نرسیده است. چون من به عنوان یک مستمع به چیزی نرسیده ام. ما در این بحث تعارضهای متعددی داشتیم، صفحه عنوان کتاب، یکی از ملاکهاست، ولی عزیزانی که سالها در کار فهرست نویسی هستند، اگر پشت جلد کتاب نوشته باشد ع.الف.ترابی آن را قبول نکرده و به دنبال کامل آن می گردند، کجا به دنبال آن می گردند؟ زمانی شناسنامه نبود، ما اصل تواتر و جست و جوی متون را مورد توجه قرار می دادیم و بر آن اساس می گفتیم هر جا تکرار بود ما آن را اصل قرار می دهیم، بیشتر علی اصغر گفته ما آن را علی اصغر قرار می دهیم و یا بیشتر از تعبیر سید استفاده شده و ما سید را قرار می دهیم، اما زمانی که عنصری به نام شناسنامه آمد، هرگونه جست و جوی بی معناست، ما یک سند هویت ملی برای فرد داریم، حال بگردیم که مردم چه می گویند! این کار عجیبی است، جسد را جلوی خود می گذاشتند و می گفتند که افلاطون چه می گوید، خود جسد اینجاست و اعضای آن مشخص است! کمی عینی تر به قضایا نگاه کنیم، در این جا بحث کتابخانه خاصی نیست، بحث یک حوزه معرفتی است و مهم نیست که در حوزه کتابداری این اتفاق بیفتد یا خیر! اما در کتابخانه ملی و یا در جای دیگر آیا دشوارتر جست و جوی تنوعات است یا فی المثل حالا که فیفا جریان دارد از هر شخصی یک فتوکپی شناسنامه بخواهیم! این خیلی راحتتر است. یک چیز را اصل قرار می دهیم و می گوییم که در شناسنامه نیامده است، اگر مایل نیست، شناسنامه را عوض کند. آقای رصافی به نکته ای اشاره کردند که در پاسخ به آن ارزش گذاری قضیه بود، گفتند که ما برای احمد کسروی، سید را نیاوریم و حال این که سید بودن در هویت نامش می باشد، اما چون ما او را لایق سیادت نمی دانیم کلمه سید را حذف می کنیم. این تصمیمات، فردی و سلیقه ای است. حل کردن این که سید آیا جدا بیفتد یا نیفتد - همانطور که خانم سلطانی به آن اشاره کردند - از نظر ماشین راه حل دارد. می توان برنامه ای داد که سید را در آن به حساب نیاورد. اما اینکه محمد از سید محمد دور می افتد، این نقص آن مبنای اولیه است. چون اگر ما نام شهر را سید محمد پذیرفته باشیم، دفعه بعد هم به آن سید محمد می گوییم و صفحه عنوان را ملاک قرار نمی دهیم.

قدری باید عینی تر به قضیه نگاه کرد و اگر قرار باشد جمع بندی صورت گیرد، باید براساس یک سلسله نتایج ملموس باشد. بنی اقبال: سؤال این است که آیا آن زمان که سید را در کتابخانه ملی جزو القاب به حساب آوردند و بعد حذف کردند آیا این کار درستی بوده یا خیر؟

حری: ببخشید، چند چیز اینجا با هم آمیخته شده است. ببینید یکی شهر است که شما در اینجا بحث نیما یوشیج را مطرح کردید، در مورد مارک تواین هم این بحث مطرح است که حالا ما نام شناسنامه ای آنها را فهمیدیم و به اسم مشهورشان ارجاع می دهیم. این بحث دیگری است که ما وارد آن نمی شویم. زمانی کتابخانه ملی آمده است کلمه سید را بنا به ملاحظاتی و یا بنا به بخشنامه ها و آیین نامه هایی حذف کرده است و الان گفته اند بگذارید، به محض اینکه گفتند بگذارید ما به همان سادگی که گفتند بردارید و ما برداشتیم، الان آن را نمی گذاریم. ما می گوییم شناسنامه و هویت، بعد اگر حق با آن شخص بود و باید در کنار اسمش سید می بوده، به آن دست نمی زنیم بلکه ارجاع می دهیم. شما می گوید می خواهید رابطه بین کاربر و سیستم برقرار شود و این مسئله با ارجاع رابطه اش حل می شود. اما یک حذف را بپذیریم و حتی بپذیریم که ما دو نوع نام داریم، بی شناسنامه و با شناسنامه و برایشان تعیین تکلیف کنیم.

اسفندیاری: آقای دکتر حری ببخشید. ما در اینجا با شناسنامه افراد کار نداریم ما در اینجا یا کتابدار هستیم و یا کتاب شناس، با کتاب افراد کار داریم نه با شناسنامه آنها.

حری: شما می فرمایید با کتاب افراد کار دارید، این فرد هویتش چیست؟ در اینجا تمام صحبت روی هویت فرد است.

اسفندیاری: این فرد در شناسنامه، هر چه که اسمش باشد، باشد. ایشان کتابی که داده، پشت آن نام نیما یوشیج را نوشته است. ما با نیما یوشیج کار داریم با علی اسفندیاری کار نداریم.

حری: کار داریم، حتماً هم کار داریم. شما در مستند مشاهیر نگاه کنید، در آنجا ارجاع دارد؛ علی اسفندیاری نیز هست. اما زمانی که می خواهد بین علی اسفندیاری و نیما یوشیج، انتخاب کند، ضابطه ای برای خود دارد که آن بحثی جداسازی و بنده می گویم که نباید این دو را



بهبزادی :

شناسنامه در اینجا بهترین چیزی است که نام اصلی نویسنده را نشان می دهد، در آن شکی نیست که من می توانم فقط برای ارجاع از آن استفاده کنم. به نظر من چیزی که بحث اینجاست - کاری نداریم که عمل کتابخانه ملی درست بوده یا خیر - این است که وقتی ما فقط با اسم قلمی افراد کار داریم نه چیز دیگر، آیا کلمه سید را بیاوریم یا نه. اگر کتابی به اینجا آمد، من برای فهرست نویسی باید کلمه سید را بگذارم یا خیر؟

منتشر شده است، کتابی منتشر شده به نام علی سبزواری، یک کتاب منتشر شده به نام علی اسلام دوست، در فهرست مستند تمام اینها ارجاع خورده به یک اسم و گفته شده که همه این اسامی، اسمی است به نام علی شریعتی. در اینجا ما با افراد، کار نداریم با نویسندگان کار داریم. این نویسنده شناسنامه اش کتابش است و منبای ما تنها همان کتاب است. البته در فهرست مستند، ارجاعات آمده است که باید باشد تا خواننده گیج و سردرگم نشود و بداند که همه این اسامی متعلق به یک نفر است. اما شما این فهرست مستند را برای کتابداران و کتابشناسان تهیه کرده اید نه کسانی که در کار تراجم و رجال هستند. کسانی که در تراجم و رجال کار می کنند، می گویند که مثلاً اسم اصلی نیما یوشیج و یا هر شخص دیگری، علی بوده است و فامیلیش اسفندیاری است که ملقب به نیما یوشیج است و در مقاله های در بیش از چهار صد صفحه در مورد کسروی تصریح می کنند که آن شخص سید است. ولی در عملیات کتابشناسی که همه چیز در آن با اشاره است، آیا باید سید را آورد یا نه؟ پس بحث را برای کتابداران و کتابشناسان باید انجام داد.

بهبزادی: من با صحبت دکتر حرّی در آنجا که گفتند که شناسنامه هم یک سند است، موافقم. برای ساختن مستندات مختلف و یا ارجاعیات مختلف از آن، مفید است. ولی شخصی مثل سیمین بهبهانی که فامیلی ایشان نه فامیلی پدرشان است و نه شوهر اولشان، بلکه فامیلی شوهر دوم ایشان است، من از ورقه شناسنامه به عنوان ارجاع استفاده می کنیم. شناسنامه در اینجا بهترین چیزی است که نام اصلی نویسنده را نشان می دهد، در آن شکی نیست که من می توانم فقط برای ارجاع از آن استفاده کنم. به نظر من چیزی که بحث اینجاست - کاری نداریم که عمل کتابخانه ملی درست بوده یا خیر - این است که وقتی ما فقط با اسم قلمی افراد کار داریم نه چیز دیگر، آیا کلمه سید را بیاوریم یا نه. اگر کتابی به اینجا آمد، من برای فهرست نویسی باید کلمه سید را بگذارم یا خیر؟ این بحث فقط قراردادی است و هیچ چیز دیگر هم نیست. قرارداد شود که هر وقت کلمه سید را دیدیم، به این دلایل محکم، سید را بگذاریم. در غیر این صورت ما نمی توانیم از طریق شناسنامه این قرارداد را اجرا کنیم و چیز موفقی برای ما نخواهد بود. ما در کتابخانه ملی با خیلی موارد روبه رو می شویم که با هیچ یک از

با هم مخلوط کرد. وقتی نامی روی صفحه عنوان می آید، هرگز هیچ فهرست نویسی منضبطی همان را عیناً قبول نمی کند. حتماً جست و جو می کند تا ببیند که این اسم کامل است یا خیر. خانم پوری سلطانی، اسم قلمی اش پوری سلطانی است ولی آیا در مستند مشاهیر هم اسم ایشان همان است؟ در آنجا پوراندخت را ارجاع داده است. پوراندخت سلطانی شیرازی آمده است. بحث ما این است آیا سیدمحمدعلی را بپذیریم و ارجاع بدهیم به چیز دیگر یا نپذیریم. آقای مسجدجامعی و یا هر کس دیگر در جزئیات کار ما بحثی ندارند. می گویند آیا ما سید را بیاوریم و یا نیاوریم. ما می گوئیم که آن را ضابطه مندش کنیم، که چگونه بیاوریم و چگونه نیاوریم.

مزینانی: ما همین الان هم با شناسنامه افراد کار داریم و شناسنامه و هویت افراد برای ما مهم و ملاک است. وقتی روی سال تولد و یا فوت فردی تأکید داریم، برای ثبت آن، ملاک ما همین شناسنامه است. یعنی ما به طور قطعی به عنوان یک وسیله مستند داریم به آن رجوع می کنیم و با آن سر و کار داریم.

بهبزادی: من با آقای دکتر مزینانی موافق نیستم. ما در کتابخانه ملی شناسنامه نمی خواهیم. برای ثبت سال تولد و یا وفات به هیچ وجه شناسنامه از افراد نمی خواهیم.

مزینانی: برای پیگیری آن احتیاج به شناسنامه دارید!
بهبزادی: پیگیری فرق می کند، زیرا شخصی که در اینجا وارد می شود اگر از او پرسیده شود که سال تولد شما چیست؟ بگوید مثلاً ۱۳۴۲، هیچ گاه به او نمی گوئیم شناسنامه ات را نشان بده!

مزینانی: خانم بهبزادی اگر بخواهیم صحت آن را مشخص کنیم آیا از شناسنامه استفاده می کنیم یا خیر؟

اسفندیاری: من گمان می کنم که شناسنامه هم ملاک نیست. شناسنامه هم سن دقیق را به ما نمی گوید. چرا که شاید بعضی افراد سن واقعیشان همان نباشد که در شناسنامه است. من متولد چه سالی هستم و اسمم چیست؟ همان هستم که در جامعه از طریق کتابم خودم را معرفی کرده ام. من استالین هستم، حالا به اینکه اسمم یوسف چوباش بیگی است، کاری نداریم. من نیما یوشیج هستم، می خواهم جامعه من را با این اسم بشناسند. وقتی کتابی به نام علی مزینانی



رصافی:
بحث اصلی در اینجا مربوط به این سیاستگذاری است که آیا سید واقعاً باید به عنوان جزئی از نام شناخته شود یا خیر؟ هنوز هیچ بحثی روی مراحل بعدی نشده است که اگر خواستیم آن را بیاوریم، به شناسنامه استناد کنیم یا به عرف رایج و یا به مقالات کتابها مراجعه کنیم و یا اینکه صفحه عنوان را ببینیم

صحنه‌های ما جور نیست. مثلاً شخصی به کتابخانه وارد شده، بعد از گفتن اسم و فامیلی، ما تاریخ تولد ایشان را پرسیدیم و آن شخص با ما دعوا کرده و گفته مگر اینجا وزارت اطلاعات است که تاریخ تولد و ... را می‌پرسید. این طور هم نیست که به هر کس گفتید، به شما اطلاعات درست بدهد، مگر اینکه قانونی در کتابخانه ملی وضع شود که شما به عنوان نویسنده و یا ناشر، موظف هستید که این مدارک و اطلاعات را در اختیار ما قرار دهید. پس این یک بحث قراردادی و ساده است که یا ما بگوییم و تصمیم بگیریم که در کنار اسم افراد، سید را بگذاریم یا خیر؟

اگر قرار شود بگذاریم، آن را جزو هویت فرد قبول می‌کنیم و از این به بعد آن را جلوی تمامی اسامی که سید دارند می‌گذاریم. ۹۸٪ سید را حذف کردیم و ۲٪ گذاشته‌ایم. اگر این جمع، صلاح بداند که سید در جلوی اسم بیاید، جمع‌بندی کنیم که این عنوان بیاید.

یکی از حاضرین: ببخشید خانم دکتر. چرا این بحث حالا باید پیش بیاید. شما قبلاً گفتید که به دلایل محکمی کلمه سید را از جلوی اسامی برداشته و در فهرستها نگذاشتید و گفتید که به چیزهای محکمی استناد کرده‌اید ولی حالا که این بحث از جانب وزیر مطرح شده است، می‌گویید می‌توانید کلمه سید را بگذارید و هم اکنون می‌گویید قراردادی که قبلاً گذاشته شده را عوض کنید؟ چون از سال ۷۴ به ما گفته شده است که کلمه سید حتماً باید جلوی اسامی گذاشته شود و بارها بنده به خانم بهزادی زنگ زدم و این اجازه را به ما نداده‌اند. ولی حالا این بحث پیش می‌آید و شما می‌گویید این قرارداد را می‌شود عوض کرد.

بهزادی: من فکر می‌کنم که هر قراردادی را می‌شود عوض کرد. من قبلاً به آقای سمیعی عرض کردم، شخصاً معتقدم که اگر سید جلوی اسم کوچک فردی در شناسنامه‌اش بیاید بخشی از هویت اوست. ما در مازندران اسامی مثل آقامیر فراوان داریم که هم آقا و هم میر، عنوان هستند، میرزاعلی فراوان است، در اسامی تاجیکی بیش از ۷۰٪ آن با یک عنوان همراه است مثل اکبرشاه، باباکلان و ... و حذف هم نمی‌کنند چون بخشی از اسمشان است. ما اسم فانی را داریم که با ط نوشته نمی‌شود با ت می‌نویسند ما نمی‌توانیم بگوییم که اشتباه است. من شخصاً می‌گویم که اگر سید در کنار اسم کوچک فردی در

شناسنامه‌اش بیاید، هویت به فرد می‌دهد. اما وقتی در کتابخانه ملی تصمیم می‌گیرند، فرد نیست بلکه یک جمع است، بنده تابع جمع هستم.

رصافی: بحث اصلی در اینجا مربوط به این سیاستگذاری است که آیا سید واقعاً باید به عنوان جزئی از نام شناخته شود یا خیر؟ هنوز هیچ بحثی روی مراحل بعدی نشده است که اگر خواستیم آن را بیاوریم، به شناسنامه استناد کنیم یا به عرف رایج و یا به مقالات کتابها مراجعه کنیم و یا اینکه صفحه عنوان را ببینیم. بنابراین باید ابتدا اصل این که آیا کلمه سید باشد و یا نه مورد توافق خانمها و آقایان قرار بگیرد سپس برای چگونگی کار، باید آیین‌نامه‌ای تدوین کرد. مشکلات نیز بیشتر از اینهاست. در مورد کشورهای عربی که اشاره کردند، از وقتی که در مصر، جمهوری اعلام شد و یا با روی کار آمدن حکومت‌های متعصب سنی در برخی کشورهای عربی، کلاً الفاظ سید به همان علت‌های ارزشی حذف شد، این مشکلات هست و بحث کلمه‌هایی مانند میر و میرزا هم هست که باید آنها را در آیین‌نامه‌ها حل کرد. ناهماهنگی در فایلینگ و جستجو هست؛ خیلی از افراد سید بودنشان قابل تشخیص نیست که ما نه شناسنامه‌ای در دست داریم و نه عرفی هست که نمی‌دانیم چه باید کرد. در این موارد نیاز به آیین‌نامه‌ای است که به نظر من باید در جلسات طولانی روی آن بحث شود.

سمیعی: اگر صلاح می‌دانید تا این مرحله از بحث، یک جمع‌بندی داشته باشیم. من خیلی دخالت نکردم و می‌خواستم بحث به صورت طبیعی جلو برود تا زوایای تاریک آن، روشن شود. من فکر می‌کنم تمام اساتید حاضر در جلسه چه از کتابخانه ملی و چه از جاهای دیگر، موافق هستند که اگر شخصی در نام قلمی‌اش همواره لقب سید را بیورد - مثالش را با نام دکتر سیدجعفر شهیدی زدن - ما می‌توانیم آن را در نام مستندش بی‌پذیریم. بنابراین اصل بحث را حتی کتابخانه ملی قبل از این جلسه هم قبول داشته است که می‌توان لقب سید را آورد ولی هنوز کسی در جزئیات وارد نشده است. آقای وزیر بحثی را مطرح کردند، تبتش هم در کتاب هفته این بود که لقب سید را حذف نکنید! یعنی چه؟ یعنی اینکه اگر نویسنده‌ای مثل آقای سید فرید قاسمی، که سید را همواره در نام قلمی‌اش می‌آورد و با همین عنوان هم مشهور است و در



سمیعی:

حذف سید ارزشی بوده است نه آوردن آن! ممکن است کسانی دید ارزشی داشته باشند و همان طور که دکتر حرّی فرمودند سیادت در فرهنگ ما ارزش است و هرکس که سید باشد از نظر مذهب ما قابل احترام است و ما نمی‌خواهیم آن را نفی کنیم. ولی ما در اینجا از نظر فنی به مسیله نگاه می‌کنیم که آیا این عنوان بیاید یا خیر! و در ابتدا عرض کردم که رویکرد این جلسه رویکردی ارزشی نیست، گرچه سیادت ارزش است

اگر واقعاً این یک هیجان ارزشی بود، جایش اینجا نبود. حذف سید ارزشی بوده است نه آوردن آن! ممکن است کسانی دید ارزشی داشته باشند و همان طور که دکتر حرّی فرمودند سیادت در فرهنگ ما ارزش است و هرکس که سید باشد از نظر مذهب ما قابل احترام است و ما نمی‌خواهیم آن را نفی کنیم. ولی ما در اینجا از نظر فنی به مسئله نگاه می‌کنیم که آیا این عنوان بیاید یا خیر! و در ابتدا عرض کردم که رویکرد این جلسه رویکردی ارزشی نیست، گرچه سیادت ارزش است. در مورد اینکه باب آوردن دیگر القاب باز شود، اصل بر این است که هیچ تغییری در هیچ قاعده‌ای ایجاد نشود ولی ما به این مسئله رسیدیم که چیزهایی قاعده شده‌اند که قاعده شدن آنها از روی کارشناسی نبوده است و برای همین ایجاد اختلال کرده‌اند. الان می‌خواهیم به سمتی حرکت کنیم که قاعده‌ها از روی کارشناسی باشد. بنابراین اگر به این بپردازیم که چه جمعی این آیین‌نامه را تصویب کنند و به چه صورتی ابلاغ شود، مناسب است.

بهرادی: من فکر می‌کنم آقای مزینانی واژه‌های مشابه سید را در نظر داشتند، مثل میر، میرزا، آقامیرو... که باید قاطعانه بگوییم که این واژه‌ها به هیچ طریقی مترداف سید نیستند، برای تمامی آنها می‌توان تصمیم گرفت که حذف شوند ولی سید یک جایگاه خاصی دارد. البته با شرایط خاصی که بعد از انقلاب داریم، باید سید نسبت به واژه‌های دیگر ارجحیت پیدا کند. اگر بدین صورت باشد، نگرانی ما کتابداران و آقای مزینانی رفع می‌شود و ما با بقیه واژه‌ها کار نداریم و فقط روی واژه خاص سید تصمیم می‌گیریم.

سمیعی: باید نسبت به جلسه تدوین این آیین‌نامه و این که در چه سطحی باشد و با چه روندی کارش پیش برود به یک جمع‌بندی نهایی برسیم.

علوی: اگر این لقب را نگذاریم ممکن است چه مشکلاتی پیش بیاید؟

سمیعی: بعضی مشکلاتی که هم اکنون ایجاد شده است ناشی از همین ناهماهنگی در آوردن یا نیاوردن سید است؛ وضع فعلی وضع بسامانی نیست. وقتی در بعضی جاها ثبت می‌شود و در بعضی جاها ثبت نمی‌شود، نیاز به یک سیاست یکسان سازی داریم و حالا

شناسنامه‌اش هم سید آمده است، عنوان سید را از نام او حذف نکنید! نگفتند که اضافه کنید. تا به حال رویه کتابخانه ملی این بوده که جز در موارد استثنایی، این کلمه را حذف می‌کردند. بحث این است که آیا این رویه، رویه‌ای مطابق اصول کتابداری بوده است و عنوان سید مانند دیگر القابی است که باید حذف شود یا نه؟ به این توافق در این جلسه بین تمام حضار رسیدیم که سید جزئی از نام یا به تعبیر برخی دوستان، جزئی از هویت است و با القاب دیگر تفاوت می‌کند و از این رو بوده است که در مورد نام سیدجعفر شهیدی، حذف نشده است. حال برای یافتن راهکار اجرایی، همان طور که آقای دکتر حرّی پیشنهاد فرمودند ممکن است بگوییم که از هر شخصی که می‌خواهیم نامش را در فیپا مستند کنیم، بخواهیم که یک کپی از شناسنامه‌اش را ضمیمه کند، البته ممکن است افرادی از آن استقبال نکنند. اگر جمع با جمع‌بندی من موافق هستند می‌توانیم به سرفصل بعدی برویم. ما لقب و یا نام سید یا عنوان سید را می‌دانیم که می‌تواند حذف نشود ولی در مورد اینکه در کجاها باید بیاید یا نیاید و ملاک اصلی ما باید چه باشد، فکر نمی‌کنم در این جلسه به نتیجه برسیم. منتهی همان طور که خانم دکتر بهزادی فرمودند، این یک قرارداد است و باید روی آن کارشناسی شود و بهترین گزینه‌اش به صورت قرارداد ابلاغ شود ولی وقتی تصمیمی گرفته شد، دیگر مهم نیست که این تصمیم چه باشد، همه به آن عمل می‌کنیم و آن قرارداد دیگر قابل اجرا خواهد بود. بنابراین ما می‌توانیم این جمع‌بندی را داشته باشیم که اگر کتابخانه ملی احیاناً در گذشته سید را حذف کرده به خاطر آیین‌نامه‌ای بوده که داشته ولی در عین حال در بعضی جاها آورده است، این یک نابسامانی است که متأسفانه در نظام کلی اطلاع‌رسانی کشور ما وجود دارد و همه مایل هستیم که این روال، بسامان شود و رویه واحدی در تمام نظام‌های اطلاع‌رسانی اجرا شود. پیشنهاد می‌کنم که از تمام مراکز ذینفع نمایندگانی بیایند و آیین‌نامه‌ای تنظیم شود.

مزینانی: من هنوز فکر می‌کنم که طرح این بحث صرفاً با رویکردی ارزشی و نه تخصصی بوده است، اگر این قضیه باز شود، ممکن است ادعا شود که عناوین دیگر هم باید در نام مستند بیاید و این خطایی است که موجب اختلال در فایلینگ خواهد شد.

سمیعی: در حال حاضر بیست و پنج سال از انقلاب گذشته است،

سمیعی:

به عنوان نتیجه این جلسه، باتوجه به ضرورت یکسان سازی نظام اطلاع رسانی، پیشنهاد می دهیم که هرگاه لقب سید جزو نام افراد در شناسنامه ثبت شده باشد، باید در نام مستند ذکر شود و تعیین نام اشهر بر اساس قواعد انجام گیرد. در حقیقت آن رویه ای که قبلاً به کار می رفته که سید مانند دیگر القاب حذف شود، از دید کارشناسی، قابل قبول نیست. البته این مسیولیت برعهده این جلسه محول نشده است که بخواهد روال اجرایی در کشور را تغییر دهد، آنچه بحث شده، صرفاً با دید کارشناسی بوده است

وارونه ای بیفتد و جمعی میزگردی تشکیل دهند و آن مسئله را بردارند. شما محسم کنید که یک نظام اطلاع رسانی، یک نظام پایدار و ماندگار است. اگر قرار باشد در موج این تغییرات و سیاستها مرتب نوسان بکند، نهایتاً به یک کشکولی از ناهماهنگیها تبدیل خواهد شد. بحث این است که به هر حال قرار بر این شده است که کلمه سید بیاید. سیاست و تصمیم چیست، ما وارد آن نمی شویم. صحبت این است که ما چگونه آن را بگذاریم. آیا هر کسی وارد شد و گفت من سید هستم آن را بگذاریم یا خیر؟ باید ملاکی داشته باشد و این ملاک چیزی جز شناسنامه که تشخیص دهنده هویت فرد است، نمی تواند باشد. اگر شخصی آمد و اصرار کرد که در نام من، سید را بگذارید، مثل آقای شهیدی، و اگر شخصی به دلایلی که فکر می کرده اگر سید باشد حمل بر چیزها و مسایل دیگری می شده است و آن را نگذاشته، به جرم اینکه نخواسته در شرایط خاصی کلمه سید کنار اسمش قرار گیرد، ما آن را نگذاریم! اینها ناهماهنگی هایی است که در یک مجموعه خودش را نشان می دهد. ما چه زمانی سید را بگذاریم، زمانی که شناسنامه سید بودن را تأیید کند، از این واضح تر نمی تواند باشد. در رابطه با اینکه شخصی به کتابخانه ملی مراجعه می کند و کتابی می آورد و خود را سید معرفی می کند، تأیید صحت این مسئله با وزارت ارشاد است چرا که وقتی وزارت ارشاد کتابی را تأیید می کند، به همراه تأییدیه و خود کتاب باید یک برگ فتوکپی شناسنامه را هم ضمیمه کند و بفرستد. در آنجا حتماً خواهند پذیرفت که فتوکپی شناسنامه را تحویل دهند. بگذارید برای یک بار و برای همیشه این کار، هماهنگ شود.

سمیعی: اگر نکته دیگری در مورد این پیشنهاد هست، بفرمایید؟

بهزادی: حرف آقای دکتر این بود که ما سید را بپذیریم به شرط سید بودن در شناسنامه و این درست است. جایگاه این مسئله باید در وزارت ارشاد باشد که هر کتابی و به دست ما می رسد، همراه با یک برگ فتوکپی شناسنامه بفرستند. علاوه بر این وزارت ارشاد و کتابخانه ملی باید باهم تصمیم گیری کنند و به نتیجه برسند و ابلاغیه ای را به تصویب برسانند.

می خواهیم این سیاست را تدوین کنیم. ممکن است به این نتیجه برسیم که همه را حذف کنیم، همه را حذف می کنیم. آیا این تبعاتی ندارد؟ آیا ما می توانیم به آقای سیدجعفر شهیدی بگوییم ما حتماً کلمه سید را از اسم شما حذف می کنیم؟ یا بحث شناسنامه و ... حالا در هر صورت من می خواهم یک مقدار اجرایی تر جلو برویم.

علوی: این مسئله از نظر اطلاع رسانی بسیار مهم است چون که ما کتابدار هستیم و می خواهیم کاری را انجام دهیم که مراجعه کننده بتواند زودتر به مقصدش برسد. می خواهم بدانم که این صرفاً ایده آقای وزیر بوده است یا اینکه افراد دیگر و یا کتابخانه ها نظر و یا پیشنهادی به شما داده اند.

سمیعی: خود ما درگیر این مسئله بودیم، خانه کتاب نیز درگیر این مسئله بوده است. این ناهماهنگی ها واقعیتی است که برای همه ما ملموس است و یکی از انگیزه های آقای وزیر هم رفع همین ناهماهنگی هاست.

رصافی: در مؤسسه ای که من در آنجا کار می کنم به دلایل مختلف سید را در اسامی آورده ایم. در موارد مشابه بسیاری دیده شده که یک اسم به طور مشترک، هم سید دارد و هم شخص غیر سید و اگر سید را حذف می کردیم در مستندات دچار اشتباه می شدیم و این دو در نرم افزار ما این یکی می شد.

علوی: برای تمایز دو اسم از یکدیگر، راه های زیادی وجود دارد. یکی تاریخ تولد است و دیگری تاریخ وفات. بنابراین می شود دو اسم را اینگونه از هم جدا کرد. حالا شما فردی را پیدا می کنید که با شخص دیگری اسم، فامیل، تاریخ وفات و اسم پدر و یا ... آنها یکی باشد، مطابق انگلوآمریکن در اینجا از تخصص آنها استفاده می شود. بنابراین نمی توان لزوم این مسئله را فقط به عنوان تفکیک کننده نامها توجیه کرد.

سمیعی: اگر برای تدوین آیین نامه مطلبی دارید عنوان بفرمایید! حرّی: ببخشید آقای سمیعی، وقتی شما می فرمایید که آیین نامه ای تدوین شود و ابلاغ شود، این همان صورتی را پیدا می کند که در ۲۵ سال پیش راجع به آن صحبت شد. فرض کنید که یک اتفاق



اسفندیاری: بنده می‌خواستم ببینم نظر آقای دکتر حرّی و دیگر استادان که به هر حال پیشکسوت ما هستند، در رابطه با آوردن و یا نیاوردن سید چیست؟ آیا بالاخره آورده شود و یا خیر؟ آیا به لحاظ علمی چنین چیزی درست است؟

حرّی: دقیقاً بنده همین را می‌خواستم بگویم که اگر از دید علمی به قضیه نگاه کنیم، دیگر خود به خود بحثهای ارزشی کنار گذاشته می‌شود. اگر شخصی نامش علی اصغر بود، چه می‌کردیم؟ آیا شما اصغرش را می‌پذیرید؟ به چه دلیلی علی را از کلمه علی اصغر حذف نمی‌کنید؟ چون در شناسنامه آمده و آن فرد با آن شناخته شده است. زمانی که سید جزو شناسنامه باشد، چیزی است برابر با علی اصغر، جزو اسمش است و با آن شناخته شده است و نمی‌توان آن را حذف کرد. مگر اینکه نامهای قدیمی باشد که در آنجا بحث تواتر می‌آید. ولی نامهای امروزی یک عنصر شناسایی دارند که آن هم شناسنامه است.

اسفندیاری: تا اینجا همه قبول می‌کنند که معیار، شناسنامه است. ولی در مورد تعبیر سید با توضیحی که بنده عرض کردم، موضوع فرق می‌کند. یعنی شخصی به نام سیدمحمد مهدی زمانی که می‌گویند اسم؟ می‌گویند محمد مهدی، وقتی بگویند اسم؟ هیچگاه نمی‌گویند سید. چون خود شخص قایل به این نیست که اسمش سید است.

حرّی: مستند کردن یک چیز، یعنی متکی کردن آن به سند مقبول. سند مقبول برای کسی که شناسنامه دارد، شناسنامه‌اش است، بعد برگرداندن آن به تخلص و اسامی رایج، بحث دیگری است. من بحثم سر آن چیزی است که یا مرجع است و یا ارجاع داده می‌شود. کلمه سید را ما در اینجا بیاوریم و یا نیاوریم. جواب آن، یک چیز است. اگر جزو هویتش است، می‌آوریم. چطور جز هویتش است؟ زمانی که در شناسنامه‌اش آمده است.

بهزادی: ببخشید آقای اسفندیاری، فامیلی بنده صدیق بهزادی است. اگر هر جا از بنده سؤال شود که فامیلی شما چیست؟ می‌گویم بهزادی. پس اگر از شخصی اسم و یا فامیلیش را بپرسیم و سیدش را به کار نبرد، آن ملاک نمی‌شود. بنده در گفتار نمی‌گویم ولی در نوشتار می‌نویسم. سید هم همینطور است، در گفتار شاید نگویید ولی در نوشتار می‌نویسد.

اسفندیاری: خیلی کسان هستند که هم در گفتار و هم نوشتار، خود را سید معرفی نمی‌کنند.

حرّی: چون این چند چیز مخلوط می‌شود این چرخه تکرار می‌شود. این که ما اشهر را چه انتخاب می‌کنیم، یک قضیه است، شما می‌گویید این که در تواتر آثارش مثلاً علی اصغر نوشته است و سید در آن نیست یک قضیه است، اما فهرست مستند مشاهیری که الان در کتابخانه ملی است یک سند معتبری است که شما اسامی عینی و علمی را در آنجا کشف می‌کنید. اینکه می‌گویند برای دیدن سال تولد به سراغ شناسنامه‌شان نمی‌رویم، تعارف است. زیرا اگر از شخصی پرسیدند چند سال دارید و ایشان پاسخ دادند، صرفاً همان را قبول نمی‌کنند. به همین دلیل بنده هر چقدر بگویم دانشجو هستم، هیچ وقت قبول نمی‌کنند و می‌روند در برگه‌دان و سال تولد من را پیدا می‌کنند. زیرا می‌گویند برگه‌دان یک هویت علمی دارد و آن را برابر با

شناسنامه من می‌دانند و آن را مرجع قرار می‌دهند. اینکه ما می‌گوییم ایشان اشهر است، زمانی که می‌خواهد معرفی شود، با شهرتش معرفی می‌شود. آقای کسروی به دلایل ارزشی که داشتند، خود ابا داشتند که سید معرفی شوند، حال ما به او بگوییم که تو سیدی! وقتی شخصی نمی‌خواهد که خود را سید معرفی کند، به دلایل ارزشی که داشته است، حالا بیاییم و اصرار کنیم که شما سید هستید و یا حتی به سیادت به این وسیله توهین شود؟ با این کار می‌خواهیم چه کنیم! بنابراین در اینجا قراردادهای دیگری داریم ولی کشف این که سید است یا نیست به شناسنامه موکول می‌شود.

بنی اقبال: بنده فکر می‌کنم که بخشی از صحبت‌های آقای دکتر، مسئله را کامل کرده است. منتهی ما برای آن، دنباله می‌آوریم. ما در کتابداری مستندسازی داریم. اصلاً احتیاجی به آیین‌نامه نداریم. ما می‌گوییم مستند را چگونه می‌سازیم. در مستندسازی اولویتها و قواعدی وجود دارد و ما براساس قواعدی که هست مستندسازی می‌کنیم. در اینجا تنها مسئله‌ای که هست این است که اگر فردی در هفت اثرش، در چهار اثر سید دارد و در سه اثر ندارد، دانش کتابداری می‌گوید به چهار اثر استناد کنید. تا کنون به صرف اینکه سید را جزو القاب حساب کرده‌ایم، حذف کردیم، بحث بر سر این است که از این پس، سید جزو القاب حذف شدنی به حساب نیاید.

مزینانی: طبق صحبت‌های آقای دکتر حرّی هیچ منبعی موثق‌تر از شناسنامه برای ما وجود ندارد، اما بنده می‌خواهم اصل کلی‌تری بگویم که منافع و مضار این کار چیست؟ همانطور که خانم علوی فرمودند، چرا ما فایل و فونداسیون ۲۵ ساله‌مان عوض کنیم؟ ما در کتابخانه ملی ۲۵۰۰۰۰ مدخل مستند داریم. ابتدا باید رفت و پیدا کرد که منافع و مضرات آن در کجاها بوده است تا بفهمیم که در چه جاهایی مضر بوده و باعث ضرر شده و در کجاها منفعت داشته و آیا ارزش این را دارد که ما دوباره فونداسیون را بهم بزینیم؟ این مسئله اصلی است که بنده توجیه نشده‌ام. اگر منافع در این باشد که ما این فونداسیون ۲۵ ساله را بهم بزینیم، شاخصش چیزی است که آقای دکتر حرّی گفتند و به غیر از شناسنامه راه دیگری ندارد.

بنی اقبال: بحث برسر این است که شخصی ۲۵ سال خود را سید معرفی کرده و شما براساس قرارداتان آن را حذف کرده‌اید، آیا این کار، کار درستی به حساب می‌آید. آن شخص می‌گوید که چرا هویت من در این چندین سال نادیده گرفته شده و براساس یک سری قرارداد در کتابخانه ملی حذف شده است!

مزینانی: در کجای اطلاع‌رسانی این بحث آمده است، در کجا اختلال به وجود آمده، این مسئله به صورت مستند برای ما مشخص نیست.

بنی اقبال: آنهایی که سید بودند اعتراض داشتند که ما سید بودیم و سیادت ما نادیده گرفته شده است.

سمعی: وجود ناهماهنگی قابل انکار نیست. کتابخانه کنگره آمریکا مثلاً نصر، سیدحسین، مستند کرده است ولی ما در کتابخانه ملی ایران، نصر، حسین مستند کرده‌ایم.

مزینانی: کتابخانه کنگره آمریکا، مفهوم سیدی که ما می‌شناسیم

را نمی‌شناسد.

سمیعی: خیر، چون در گذرنامه آمده، آن را قبول کرده است.
مزینانی: کتابخانه ملی آمریکا، مثل ما آن دیدگاه را از سید ندارد.
سمیعی: اتفاقاً کاملاً دارد، زیرا من خودم به آنها ایمیل کردم و دیدم کاملاً با این مفهوم آشنا هستند و مسئول این قسمت، کاملاً به آن واقف بود. زمانی که کسی در شناسنامه‌اش سید آمده باشد و در گذرنامه‌اش هم سید آمده باشد، اگر در ویزایش نباشد، اصلاً آن ویزا را قبول نمی‌کنند. بنابراین مشکل جدی است و این ناهماهنگی بسیار مهمی است! چرا در جایی آورده می‌شود و در جایی آن را نمی‌آورند! این نابسامانی کاملاً ملموس است و اینکه آقای وزیر روی این تاکید دارند، این چیزها را دیده‌اند! بنده معتقدم که ملاکی را که آقای دکتر حری گذاشتند، ملاک خوبی است، چون شناسنامه برای ما رسمیت دارد. نام شهر هم با ملاکهای قبلی قابل تشخیص است. بنده فکر می‌کنم که این جمع‌بندی برای این بنده، جمع‌بندی خوبی باشد.

علوی: بنده سیوالی دارم؟ آیا گذاشتن سید در شناسنامه بچه‌هایی که بعد از انقلاب به دنیا آمده‌اند، اجباری است؟ آیا هر کس بخواهد می‌تواند سید بگذارد و یا خیر؟

رصاصی: بنده مطلع هستم که هرگاه شخص سیدی برای فرزندش شناسنامه می‌گیرد، اگر در شناسنامه‌اش سید آمده باشد، می‌تواند در شناسنامه فرزندش سید بیاید در غیر اینصورت نمی‌شود مگر اینکه تقاضا شود.

علوی: قبل از انقلاب این مسئله به این شکل نبوده و هر کس که سید بوده به دلخواه می‌توانست کلمه سید را در شناسنامه‌اش بیاورد؛ مثلاً برادرهای خود من، یکی از آنها در شناسنامه‌اش سید هست و دیگری نیست و هر دو نویسنده هستند. وقتی در کتابهایشان یکی را سید بخوانند و دیگری را سید نخوانند، تعارض ایجاد می‌شود!

حری: زمانی که بنده عرض می‌کنم ملاک شناسنامه باشد، دقیقاً برای همین مسأله است. یعنی اگر کسی مدعی شد، گفته می‌شود که شما در شناسنامه‌ات نیست، اگر خیلی اصرار دارید، بروید و شناسنامه‌تان را اصلاح کنید. یعنی او دیگر حق ندارد راجع به چیزی که خودش مدعی است و در شناسنامه‌اش نیست، اعتراض کند. به همین دلیل باید چیزی را ملاک قرار داد که از نظر قانون، پذیرفته شده است.

بهزادی: من فکر می‌کنم که آقای دکتر حری به نتایج خوب و درستی رسیدند. زمانی که می‌خواهیم ثابت کنیم کسی سید است، ملاک، شناسنامه اوست و در غیر اینصورت راه دیگری ندارد. این راه خوبی است. اما در اینکه این راه، چقدر عملی است و چقدر افراد شناسنامه خواهند داد، در عمل باید قضاوت کرد. ولی این در جمع باید مورد قبول باشد و آقای سمیعی باید کتابخانه ملی را ارگان تصمیم‌گیرنده خوبی حساب کنند و اگر قرار شد که سید آورده شود و این مسئله تثبیت شد، باید در کتابخانه ملی بحث شود که آیا آنها نیز این نتیجه را قبول دارند، یا نه؟ و بعد از آن به هر جا که باید گفته شود و یا اجرا شود.

سمیعی: دقیقاً همینطور است.

اسفندیاری: دوستان در کتابخانه ملی محکم در برابر این قضیه می‌ایستند و می‌گویند که اصلاً نیابرد!

حری: علمیتی پشت این قضیه هست، آقای اسفندیاری بحث نام نیست! من دوباره روی این قضیه تأکید می‌کنم که آنچه که در شناسنامه آمده هویت است، اصلاً بحث ارزشی نیست، من می‌خواهم این قضیه از بحث ارزشی دور شود. سید اگر در شناسنامه آمد، بخشی از هویت است، مثل اصغر، علی و یا هر چیزی که ما نمی‌توانیم آن را حذف کنیم. این را باید آورد و چیزی که در شناسنامه آمد، شما حق حذف کردن آن را ندارید و نمی‌توانید به اختیار و سلیقه، آن را تغییر دهید. من سید را به عنوان یکی از عناصر هویت فرد می‌دانم.

بنی‌اقبال: آقای اسفندیاری مثالی برای شما بیاورم. در مورد مرحوم شیخ آغا بزرگ تهرانی، شما آغایش را حذف می‌کنید؟

اسفندیاری: بنده در ابتدا شیوه کتاب‌شناسی خود را توضیح دادم.

بنی‌اقبال: در مستندسازی چه می‌گویید؟

اسفندیاری: صفحه عنوان کتاب را ملاک قرار داده و هرچه روی آن آورده شده باشد را می‌آورم. کسروی را نمی‌آورم چون نمی‌آورد و دکتر شهیدی را می‌آورم چون ایشان می‌آورد. با صفحه جلد و ... هیچ کاری نداریم. بنده قایل به تفصیل هستم.

بنی‌اقبال: دوباره شما وارد بحثی شده‌اید که قبلاً خودتان تأیید و قبولش کرده‌اید و می‌فرمایید در صفحه عنوان اگر بود، می‌نویسم و اگر نبود نمی‌نویسم، یعنی همه چیز متمرکز است بر خواست قلمی نویسنده. زمانی که از نام شیخ آغا بزرگ تهرانی، آغایش را حذف نمی‌کنیم، به این نگاه نمی‌کنیم که آغا در آنجا چه ماهیتی دارد و آیا در شناسنامه‌اش آمده است و یا خیر و یا اینکه به آن مشهور شده است، چون با آن شناخته شده است.

اسفندیاری: در کتابشناسی در درجه اول، صفحه عنوان ملاک است. نه روی جلد و نه عطف کتاب و نه شناسنامه. ملاک ضبط نام نویسنده هم هکذا! چون ممکن است در چاپخانه خطاهایی روی جلد رخ داده باشد که نویسنده ندیده باشد. شیوه بنده این است که صفحه عنوان را ببینیم، نه چیز دیگری را. اما این نظر که ما سید را بیاوریم، یعنی اینکه ما دیگر صفحه عنوان را ملاک قرار ندهیم ولو اینکه ما بدانیم مثلاً مرتضی راوندی، سید است ولی اگر در صفحه عنوان نیابده است ما آن را نمی‌آوریم.

رصاصی: ما طبق سه قانونی که برای تشخیص نام اشهر به ما داده‌اند، اگر کسی سید باشد، سید می‌خوانیم و نام اشهر آن نیز هرچه هست همان را می‌آوریم. اگر قبلاً غلط عمل می‌شده و یا نادیده گرفته شده، هر کجا بتوانیم، باید جلوی آن را بگیریم! ۲۵۰۰۰۰ مدرک، بعدها ممکن است زیادتر شود!

سمیعی: به عنوان نتیجه این جلسه، باتوجه به ضرورت یکسان‌سازی نظام اطلاع‌رسانی، پیشنهاد می‌دهیم که هرگاه لقب سید جزو نام افراد در شناسنامه ثبت شده باشد، باید در نام مستند ذکر شود و تعیین نام اشهر بر اساس قواعد انجام گیرد. در حقیقت آن رویه‌ای که قبلاً به کار می‌رفته که سید مانند دیگر القاب حذف شود، از دید کارشناسی، قابل قبول نیست. البته این مسئولیت برعهده این جلسه محول نشده است که بخواهد روال اجرایی در کشور را تغییر دهد، آنچه بحث شده، صرفاً با دید کارشناسی بوده است.

